آیت‌الله کعبی تبیین نمود

چهار بحران اصلی دنیای معاصر

آیت‌الله عباس کعبی، عضو هیأت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری، به تشریح چهار بحران اصلی دنیای معاصر و راه حل‌های مقابله با هرکدام از آنها پرداخت.

به گزارش خبرگزاری حوزه از اهواز، آیت‌الله عباس کعبی، عضو هیأت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری، در نشست با مسئولان مؤسسه آینده روشن، با اشاره به اینکه انسان معاصر چهار بحران پایه‌ای یا اَبَرمسأله دارد که ریشه در تمدن معاصر دارند، گفت: اولین مورد آن، حاکمیت الحاد نظری و عملی در زندگی انسان است؛ انسان منهای وحی، منهای نقشه راه انبیا و رهبری الهی و منهای نگاه به خدا و آخرت؛ این شاخصه زندگی انسان معاصر است.

نائب‌رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم افزود: بعضی وقت‌ها الحاد در ساحت تئوری و عدم اعتقاد به خدا و معاد است؛ اما الحاد عملی یعنی سبک زندگی منهای خدا؛ یعنی ممکن است بعضی از انسان‌ها به خدا و آخرت و انبیای الهی در حوزه مسائل نظری معتقد باشند؛ اما از لحاظ عملی به‌خاطر تنوع در لذت‌جویی و تکاثر در ثروت و مسابقه منفی قدرت و شهرت، اصلاً خدا را فراموش می‌کنند و در عمل ملحد هستند الحاد نظری و عملی، آثار بسیار تلخی در زندگی انسان دارد.

وی ادامه داد: بحران کلان دوم، مسأله زندگی فردی و بی‌توجهی به مسئولیت‌های اجتماعی است؛ انسان معاصر یکی از ویژگی‌هایش این است که به فکر خودش است و در یک مسابقه لذت، قدرت، شهرت و تنوع و در همه عرصه‌ها غوطه‌ور است و کار به‌شکلی است که هر فردی می‌خواهد، از امکانات جهان، بیشتر از دیگری استفاده بکند. می‌گویند: زندگی یک مسابقه است. بعضی‌ها در این مسابقه جلو می‌افتند، بعضی‌ها هم فقیرند یا در ساحت‌های دیگر عقب می‌مانند که باید حذف شوند؛ این نگاه فردگرایانه و نگاه لیبرالی است.

آیت‌الله کعبی عنوان کرد: بحران بزرگ سوم هم، حاکمیت طاغوت و حاکمیت قدرت‌های شیطانی است؛ مناسبات ظالمانه بر روابط بشری حاکم است؛ این مناسبات ظالمانه، بین دولت‌ها و سازمان‌هاست و در زندگی انسان معاصر در میان خصوصاً دولت‌ها و ابرقدرت‌ها باعث شده که بحران‌های زیادی در زندگی مردم جهان تولید شود که زیرمجموعه بحران حاکمیت طاغوت به‌شمار می‌روند.

عضو هیأت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری گفت: یکی از آن بحران‌ها، ناشی از مدیریت ظالمانه جهان است که نمونه‌اش همین بحث حق وتو و شورای امنیت و امثال اینهاست یا بحران اخلاق و آداب، بحران امنیت و بحران خانواده و جنگ علیه خانواده که تعریف هویت خانواده را نیز تغییر داده‌اند؛ همه این بحران‌ها در جهان، ناشی از همین حاکمیت طاغوت است.

نائب‌رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ادامه داد: جهان به دو بلوک ظالم و مظلوم تقسیم شده؛ مستکبر و مستضعف، برخوردار و آسیب‌پذیر؛ در جهانی که مولود همین تمدن غربی است، شکاف طبقاتی شدیدی حاکم شده است؛ چیزی که امام اسم آن را جنگ فقر و غنا گذاشتند.

وی خاطرنشان کرد: بحران ریشه‌ای و ابرمسأله بعدی، نابودی داوطلبانه کرامت انسانی است؛ یعنی در واقع مسخ هویت انسان به‌شکل داوطلبانه؛ کرامت انسان دو نوع است: ذاتی و اکتسابی؛ کرامت ذاتی انسان هم تهدید شده است؛ برای مثال انسان‌نماهایی که بر اساس اراده خودشان، حیوان شده‌اند. در همین کشورهای اروپایی دیدید که مثلاً صدای حیوانات را درمی‌آورند یا جراحی می‌کنند تا شبیه به یک حیوان شوند و بعد راهپیمایی می‌کنند و می‌گویند: ما فلان حیوان هستیم!

آیت‌الله کعبی بیان کرد: دین اسلام و قرآن و نگاه انسانی، چهار راه‌حل به انسان می‌دهد که با متغیرهای گوناگون، باید به این سمت برویم؛ اول ایمان به خدا، ایمان به وحی و نقش بنیادین وحی در زندگی اجتماعی و سیاسی و ایمان الهی به نقشه الهی که در مقابله با الحاد نظری و عملی است.

عضو هیأت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری بیان کرد: راه‌حل دوم قرآن و اسلام در مقابل فردگرایی مطلق، تولید عمل صالح است، در ابعاد گسترده فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، بهداشتی، قضایی و... و به‌گونه‌ای است که فرد را در خدمت جامعه قرار می‌دهد و از رهگذر عمل صالح، جامعه را در خدمت فرد قرار می‌دهد؛ عمل صالح، باعث ایجاد مسئولیت اجتماعی مشترک در زندگی انسان‌ها می‌شود و هیچ مرزی ندارد.

نائب‌رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: راه مقابله با مناسبت‌های ظالمانه حاکم بر جهان هم، تغییر و تحول اجتماعی سیاسی بر مبنای وجود رهبری الهی است؛ یعنی کفر به طاغوت و ایمان بالله و داشتن طرح و برنامه برای مدیریت انسان صالح و شایسته در عرصه جهانی.

وی بیان کرد: نسبت به ابربحران چهارم که نابودی کرامت انسانی است، راه حلش صبر بر کرامت، انسانیت، ایمان و تقوا و همین عمل صالح و صبر بر ارزش‌های والای انسانی است. این چهار مورد در سوره عصر آمده‌اند و زیرساخت پایه‌ای و تمدن‌ساز برای تحولات با مقیاس جهانی هستند؛ اگر این‌ها نباشند، بشریت با شتاب به سمت نابودی می‌رود.

بررسی نظریه دو دولتی بر اساس ادله اربعه

حجت‌الاسلام سعید پارسا ارسنجانی، استاد و پژوهشگر حوزه علمیه قم

• مقدمه

مجمع موسوم به محققین با استفاده از نام مقدس حوزه علیمه، نظریه‌ای را با نام نظریه دو دولتی مطرح کرده است و بارها آن را به‌عنوان «راه برون‌رفت از بحران» و «تنها راه حل صلح پایدار» تبلیغ می‌کند. عبارت این مجمع چنین است:

این مجمع، بازگشت این رژیم به مرزهای قانونی! پیش از تهاجم ۱۹۶۷ و تشکیل دولت مستقل فلسطین را راه‌حل برون‌رفت از این بحران می‌داند[1]. « مجمع ... معتقد است تنها راه حل‌صلح پایدار، تشکیل دو دولت مستقل و بازگشت اسرائیل به مرزهای قانونی! است.»[2] موضع این مجمع نه‌تنها با هیچ اصلی از اصول اسلامی پذیرفته نیست؛ بلکه با هیچ مبنای عاقلانه‌ای امکان پذیرش ندارد. این مقاله در صدد است که نظریه دو دولتی این مجمع را بر اساس ادله اربعه بررسی کند.

• مسأله محوری

محور اصلی نظریه دو دولتی بر مشروعیت‌بخشی به غصب هشتادساله سرزمین‌های اشغالی می‌چرخد؛ زیرا لازمه انکارنشدنی نظریه دو دولتی مشروعیت‌بخشی به این رژیم غاصب و کودک‌کش است؛ هرچند به‌علت جوّ روانی در تبصره‌ای مشروعیت این رژیم غاصب را نپذیرفتند.

• واژه‌شناسی غصب

غصب در لغت به‌معنای گرفتن ظالمانه چیزی با استفاده از قوه قهریه است.[3] واژه غصب در اصطلاح فقهی نیز به‌معنای لغوی به‌کار می‌رود و گفته شده: « غصب گرفتن مال دیگری از روی عداوت و دشمنی است.»[4] این مطلب درباره سرزمین فلسطین کاملاً محقق شده است؛ زیرا سرزمین فلسطین با قهر و زور و «استفاده از نیرو» که در حقوق بین‌الملل هم ممنوع است، تصاحب شده است.

• حرمت عقلی غصب

ضرورت ایجاب می‌کند که ظلم و تجاوز قبیح باشد و غصب هم در دایره شمول قبح ظلم و تجاوز قرار می‌گیرد[5] و غاصب به‌علت تصرف بدون اذن مالک، مستحق ذم است.[6] قبح عقلی غصب آن هم به‌شکل شنیع و فجیعی که رژیم غاصب صهیونیستی مرتکب آن می‌شود، به‌قدری است که دختران کف خیابان‌های نیویورک و لندن حتی خاخام‌های یهودی غیرصهیونیست و اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا که مسلمان هم نیستند، به آن اعتراض دارند.

• آیات قرآن

با مراجعه به قرآن می‌توان به آیات ذیل در مبحث حرام‌بودن غصب استناد کرد:

آیه نخست

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آوردهاید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد.﴾[7] غصب از مصادیق بارز اکل مال غیر بدون رضایت است که طبق تصریح این آیه نهی دارد و حرام است و وقوع آن درباره فلسطین محرز است.

آیه دوم

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۸۷)؛ همانا خداوند متجاوزان را دوست ندارد.﴾[8] غصب از مصادیق بارز تجاوز از حد الهی است؛ زیرا طبق آیه‌ای که گذشت یک زمین یا فراتر از آن یک سرزمین را فقط با تجارتی که حاکی از رضایت طرفین باشد، می‌توان مبادله و معامله کرد و لاغیر و طبق اسناد موجود، چنین معامله‌ای درباره سرزمین‌های اشغالی فلسطین صورت نگرفته است.

آیه سوم

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۸)؛ و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به‌عنوان رشوه) به قضات ندهید؛ درحالی‌که میدانید (این کار، گناه است)!﴾[9] این رشوه‌دهندگان در مقابل این رشوه‌ای که می‌دهند، حداقل مالی از دنیا را به دست می‌آورند؛ اما شما که بخش بزرگی از سرزمین مسلمین را (که در بین ایشان ایتام و بیوه‌زنان و سال‌خوردگان و ... هم وجود دارند)، در قالب نظریه دو دولتی به غاصبان پیش‌کش می‌کنید، حداقلی از مال دنیا را هم به دست نمی‌آورید و این مصداق تام این آیه شریفه است که فرمود: ﴿خَسِرَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةَ ذلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِينُ﴾[10]

• احادیث متواتر

حدیث نخست:

از پیامبر خدا ﷺ نقل شده است که فرمودند: احترام مال مسلمان، مانند احترام خون اوست.[11] بنابراین تصمیم‌گیری درباره مال مسلمین، باید با احتیاط کامل و مطابق با موازین شرع باشد.

حدیث دوم:

رسول‌خدا ﷺ فرمودند: مال هیچ مسلمانی حلال نیست (بر دیگران)؛ مگر با رضایت قلبی.[12] احادیثی با همین مضامین در کتب اهل‌سنت هم آمده است.[13]

حدیث سوم:

از امام صادق ؑ نقل شده است که فرمودند: هرکس زمینی را به غیر حق بگیرد و در آن ساختمانی بسازد، ساختمان او باید تخریب شود و زمین به صاحبش تسلیم شود؛ زیرا برای تلاش ظالم هیچ حقی وجود ندارد. سپس فرمود: حضرت رسول‌الله ﷺ فرمودند: هرکس زمینی را به غیرحق بگیرد، او را وادار می‌کنند تا خاک آن را به محشر حمل کند.[14] نظریه دو دولتی که به‌نوعی راه را برای گرفتن زمین‌های مظلومان فلسطینی هموار می‌کند، از مصادیق بارز این فراز است و بنابر حدیث، همان مجازات برای صاحبان این نظریه هم ثابت است؛ زیرا اینان نیز با نظریه‌پردازی برای اهدای زمین‌های غصبی به غاصبان تروریست و تبلیغ آن به‌عنوان یگانه راه‌برون رفت از بحران،[15] زمینه را برای غاصبان صهیونیستی فراهم می‌کنند که هرچه بیشتر با قیافه‌ای حق‌به‌جانب، زمین‌های فلسطینیان را بگیرند و به جنایات خود ادامه دهند. مسأله غصب و اهمیت حرمت آن به‌اندازه‌ای است که حتی اگر غاصبان مرده‌های خود را در زمین غصبی دفن کرده باشند، مالک زمین می‌تواند آن مرده را هم از زمین خود بیرون بیندازد؛[16] چون این کار یک تصرف بدون اذن مالک بوده است.

• اجماع

اجماع به‌معنای اتفاق‌نظر فقیهان بر حکم شرعی است. اجماع از منابع چهارگانه استنباط احکام شرعی به‌شمار می‌رود.[17] علّامه حلی ؒ در این‌باره می‌فرماید: هیچ خلافی بین احدی از مسلمانان در باره تحریم غصب و تعلق ضمان به آن وجود ندارد.[18] شیخ طوسی ؒ[19] و قطب راوندی[20] و ابن‌براج[21] نیز به وجود اجماع بین علمای امت اشاره می‌کنند. بنابراین اگر کسی با خرید یا فروش یا واسطه‌گری (با لفظ یا نوشته) در تاراج رفتن مال غصبی و ظلم به صاحب مال واسطه شود، در تحقق غصب شریک است. همان جزای غاصب را به او هم خواهند داد. حال ما چگونه با علم به غاصب‌بودن صهیونیست‌های جنایت‌کار می‌توانیم برای آنها حق قائل شویم و دولت جنایت‌کارشان را به رسمیت بشناسیم و سرزمین دیگران را بدون رضایت صاحبان اصلی‌اش به‌نام آنها ثبت کنیم و تنها راه حل بحران را ایجاد دو دولت مستقل بدانیم و فکر کنیم که به‌عنوان شخصی که ادعای محقق‌بودن را دارد، نظریه‌ای راه‌گشا دادیم و به‌اصطلاح شق‌القمر کرده‌ایم! اگر کسی یا کسانی به منزل یکی از معتقدان نظریه دو دولتی تجاوز کند و العیاذ بالله، نوامیس را هتک کند و چنددهه هم در آنجا اقامت کند، آیا باز هم ایشان اجازه می‌دهند که خانه دو قسمت شود و یک پلاک را به متجاوز و یک پلاک را هم به مغصوب‌منه و صاحب منزل بدهند؟ آیا این کار عاقلانه است؟ آیا مشروع است؟ آیا عرف آن را می‌پذیرد؟ آیا قوانین بین‌الملل آن را می‌پذیرد؟ پس بر چه اساسی می‌توان این نظریه غیرمشروع را به‌نام اسلام به خورد جامعه داد و صاحبان مظلوم حق را مأیوس کرد و ظالمان را جسور و امیدوار کرد؟

• پی‌نوشت

۱.بیانیه مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم در محکومیت تهاجم اسرائیل به لبنان- پیام تسلیت مجمع قم به‌مناسبت شهادت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله ؒ- بیانیه مجمع به‌مناسبت شهادت یحیی سنوار؛
۲.بیانیه مجمع در شهادت یحیی سنوار؛
۳.ابن‌منظور، محمدبن مکرم، لسان‌العرب، ج۱، ص۶۴۸؛
۴.«الغصب استیلاء علی حق الغیر بلا حق- تذکرة الفقهاء (ط - القدیمة)، ص ۳۷۳؛
۵.تذکرةالفقهاء (ط - القدیمه)، ص ۳۷۳؛
۶.المهذب (لابن البراج)، ج۱، ص ۴۳۴؛
۷. سوره مبارکه نساء آیه ۲۹؛
۸. قرآن کریم،سوره مبارکه مائده؛
۹. قرآن کریم، سوره مبارکه بقره؛
۱۰. قرآن کریم، سوره مبارکه حج آیه ۱۱؛
۱۱. فقه‌القرآن، ج۲، ص ۷۴؛
۱۲. نهج‌الحق و کشف‌الصدق، ۴۳۵؛
۱۳.کتاب صحیح البخاري - ط السلطانیه جلد ۱ ص ۳۳ حدیث ۱۰۵؛ کتاب جمع‌الجوامع المعروف بـ«الجامع الکبیر»، الجلال السیوطي، جلد۸ ص۴۶ حدیث ۱۸۰۲؛ کتاب سنن‌الدار قطني، ج۳ ص۲۴؛
۱۴. تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان) / ج۶ / ۲۹۴ / ۹۲؛
۱۵.. بیانیه مجمع ...به‌مناسبت شهادت یحیی سنوار؛
۱۶.. منتهی المطلب في تحقیق‌المذهب، ج۷، ص ۴۰۵؛
۱۷. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت ؑ، ج۱، ص ۲۵۲؛ اجماع، ج۱، ص ۲۵۲؛
۱۸. تذکرةالفقهاء (ط - القدیمة)، ص ۳۷۴؛
۱۹. المبسوط في فقه‌الإمامیة، ج۳، ص ۸۶؛
۲۰. فقه‌القرآن (للراوندي)، ج۲، ص ۷۳؛
۲۱. المهذب (لابن‌البراج)، ج۱، ص ۴۳۴.

گفت‌وگوی اختصاصی حوزه با نماینده رهبر انقلاب در عراق

از لبنان تا سوریه؛ قهرمانی که تاریخ را تغییر داد

سردار حاج قاسم سلیمانی، فرمانده محبوب سپاه قدس، شخصیتی بود که تأثیرات عمیقی در عرصه‌های مختلف نظامی و سیاسی جهان اسلام به‌جا گذاشت. نقش بی‌نظیر وی در مبارزات ضدتروریسم، به‌ویژه در جنگ‌های عراق و سوریه، او را به یکی از برجسته‌ترین چهره‌های معاصر بدل کرد.

در گفت‌وگوی اختصاصی حوزه با آیت‌الله سیدمجتبی حسینی نماینده رهبر انقلاب در عراق و نماینده مردم استان خراسان رضوی در مجلس خبرگان رهبری، به بررسی ابعاد مختلف خدمات سردار سلیمانی پرداخته شده که تقدیم حضور می‌گردد.

▫ از آشنایی خود با سردار بفرمایید.

• باید بگویم ایشان شخصیتی بودند که هرچه در موردشان گفته شود، باز هم کم است. من از زمانی که ایشان در زاهدان و کرمان فرمانده بودند، به ایشان ارادت داشتم؛ زیرا من آن زمان نماینده رهبر معظم انقلاب اسلامی در سیستان و بلوچستان بودم.

ایشان به‌عنوان فرمانده تیپ مشترک، در زاهدان در مبارزه با اشرار نقش بسیار مؤثری داشتند. با قاطعیت و تدبیر، منطقه را از دست اشرار پاک کردند و مردم زاهدان را از آزار و اذیت آنها رهانیدند.

شهید سردار سلیمانی در آن دوره، فرمانده تیپ مشترک بین استان سیستان و بلوچستان و کرمان بودند؛ ولی دفتری هم در زاهدان داشتند.

▫ در سوریه و لبنان نیز حضور ایشان بسیار مؤثر بود. می‌توانید بیشتر توضیح دهید که ایشان چه اقداماتی در این مناطق انجام دادند؟

• در لبنان، ایشان علاوه بر اینکه به‌عنوان یک نظامی قاطع و انقلابی شناخته می‌شد، دل‌رحم و مهربان بود. یکی از اقدامات برجسته ایشان، ساخت شصت کیلومتر آسفالت در پشت خطوط مرزی اسرائیل بود که این حرکت شجاعانه، روحیه مردم لبنان را تقویت و اسرائیل را به چالش کشید. همچنین در بلندی‌های سر مرز اسرائیل، ایشان پارکی به‌نام «پارک ایران» ایجاد کردند که هر آلاچیق آن به‌نام یکی از استان‌های ایران بود.

طبعاً با ارتباطی که با بعضی خیرین داشت، با بعضی بودجه‌هایی که امکان داشت، کاری انجام بشود، در لبنان خدمات بزرگی کرد. بالأخره مردم از اسرائیل می‌ترسیدند؛ ولی این کار روحیه اسرائیل را از نظر نظامی کم کرد.

این پارک در اتفاعات در کنار مرز اسرائیل ساخته شده بود. وقتی در آنجا قرار می‌گرفتید تا عمق اسرائیل دیده می‌شد. به‌تعبیر عرب‌ها یک استهزاء است. یک روکم‌کنی بود که باعث شکستن روحیه دشمن و اعلام اینکه ما شما را هیچ به حساب نمی‌آوریم، تعبیر می‌شد.

در گذشته اسرائیل با کمال قلدری بیان می‌کرد: اصلا حق ندارید، جاهای بلند و مشرف بیایید؛ درحالی قبلاً در همین مکان، اگر کسی در روز از این کوه بالا می‌رفت، اسرائیلی‌ها او را می‌زدند. این حرکت شهید سلیمانی باعث ذلت اسرائیل غاصب شده بود؛ زیرا ایجاد یک فضای سبز در ارتفاعات این کوه در مقابل مرز اسرائیل و به تماشا نشستن آنها که محل تفریح بسیاری از مردم شده بود، برای رژیم سفاک اسرائیل سخت بود.

▫ با توجه به مسئولیت‌هایی که ایشان در عراق داشتند، چه تأثیری در جلوگیری از سقوط عراق به دست داعش داشتند؟

• در عراق، حضور ایشان در زمان جنگ با داعش بی‌نظیر بود. سردار سلیمانی به‌عنوان فرمانده سپاه قدس، نقش اساسی در تقویت نیروی مقاومت عراق داشت. حتی بسیاری از رهبران عشایر عراقی معتقدند که اگر جمهوری اسلامی و سردار سلیمانی نبودند، عراق به دست داعش سقوط می‌کرد. ایشان در خط مقدم جبهه حضور داشتند و با همدلی و همراهی نیروهای مقاومت، عراق را از دست داعش نجات دادند.

▫ در مورد ویژگی‌های شخصیتی سردار سلیمانی و رابطه ایشان با دیگران چه خاطراتی دارید؟

سردار سلیمانی بسیار متواضع و در عین حال قاطع بودند. کسی که ایشان را از نزدیک می‌دید، هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد که یک فرمانده عالی‌رتبه باشند. ایشان خیلی خودمانی و اهل شوخی بودند و همیشه سعی می‌کردند، روحیه بچه‌ها را بالا ببرند. در عین حال، در مواقع حساس، با قاطعیت تمام در خط مقدم حضور می‌یافت. یکی از خاطرات جالب این است که زمانی که به عراق رفتند، از ماشین‌های ضدگلوله استفاده نکردند و با یک تاکسی ساده به مقصد رسیدند. این اقدام ایشان باعث غافل‌گیری دشمن شد و درنهایت به آزادی سامرا کمک کرد.

▫ در مورد واکنش‌ها و تلاش‌های دشمنان جمهوری اسلامی ایران در عراق و منطقه بعد از شهادت سردار سلیمانی چه نظری دارید؟

• بعد از شهادت سردار سلیمانی، دشمنان به‌ویژه آمریکا تلاش کردند تا با ایجاد درگیری و تبلیغات، میان ایران و عراق فاصله بیندازند؛ اما با وجود تمام تلاش‌ها، مردم عراق هم‌چنان با ایران همدلی داشتند؛ حتی در سالگرد شهادت ایشان، مردم عراق در سراسر کشور مراسم‌های باشکوهی برگزار کردند و این، نشان می‌دهد که سردار سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس در قلب مردم عراق جای دارند. دشمنان با تمام تلاش‌هایی که داشتند، نتوانستند شکاف بزرگی میان ایران و عراق ایجاد کنند.

▫ کلام پایانی

• در پایان، باید بگویم که سردار سلیمانی نه‌تنها یک فرمانده نظامی بود؛ بلکه یک شخصیت فرهنگی و معنوی بود که توانست در عرصه‌های مختلف پیروزی‌های بزرگی برای ایران و متحدانش رقم بزند. شهادت ایشان باعث شد که جبهه مقاومت در منطقه بیشتر از همیشه متحد و قوی شود.